

فصلنامه مطالعات آسیای جنوب غربی، سال اول، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۷

صص ۱۶۳-۲۰۰

ملاحظات ژئوپلیتیکی تأثیرگذار بر رفتار سیاسی ترکمنستان در ترانزیت انرژی از مسیر ایران

عزیز جوانپور هروی^۱، سید محمدرضا موسوی^۲، سعید چهرآزاد^۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۰۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۸/۲۶

چکیده

یکی از عوامل اساسی در تعیین توان ملی کشورها، محدودیت‌ها و امتیازات ژئوپلیتیکی می‌باشد. در نتیجه عوامل ژئوپلیتیک به عنوان متغیر ثابت، تأثیر بسزایی در شکل‌گیری خط مشی سیاست خارجی کشورها به عنوان متغیر وابسته دارند. نویندگان در این مقاله در پی بررسی و مطالعه عوامل، عناصر و مؤلفه‌های تأثیرگذار بر ملاحظات ژئوپلیتیکی تأثیرگذار بر رفتار سیاسی ترکمنستان در ترانزیت انرژی از مسیر ایران می‌باشد که چه ملاحظات و تنگناهایی در خصوص انتخاب مسیر ترانزیت انرژی از مسیر ایران برای ترکمنستان وجود دارد.

واژه‌گان کلیدی: ژئوپلیتیک، رفتار سیاسی، ترانزیت انرژی، ترکمنستان، ایران.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱- استادیار علوم سیاسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

۲- دانشجوی دکتر علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

۳- دانش آموخته دکتر علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

مقدمه

بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و به وجود آمدن کشورهای جدید التاسیس تحت عنوان جمهوری‌های خودمختار آسیای مرکزی و قفقاز این منطقه مورد توجه قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای قرار گرفت، موقعیت ژئوپلیتیکی آن و قرار گرفتن در خشکی‌ها نیاز این کشورها را به محیط‌های بیرون از خود دوچندان کرده است، به جدیدالتاسیس بودن و ترس از سیطره دوباره روسیه به بازیگران سومی مانند اتحادیه اروپا، آمریکا و ... چراغ سبز نشان دادند. یکی از کشورهای تاثیرگذار در این منطقه ترکمنستان می‌باشد که به خاطر برخورداری از منابع نفت و گاز و وجود خطوط انتقال انرژی به خارج از منطقه اهمیت زیادی پیدا کرده است.

نکته اصلی اینجاست که موقعیت ژئوپلیتیکی و جایگاه جغرافیایی ویژه ترکمنستان بیش از آنکه برای جمهوری اسلامی ایران منفعت داشته باشد بیشتر باعث چالش برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران شده است. لذا در این پژوهش به شناخت کشور مذکور به لحاظ ژئوپلیتیکی و بحران‌هایی که از گذر وضعیت جغرافیایی برای جمهوری اسلامی ایران می‌تواند خلق کند، پرداخته می‌شود. در مطالعه موقعیت‌های ژئوپلیتیکی در مناطق گوناگون یا در کشورها، معمولاً منابع و امکاناتی که سبب جلب توجه قدرت‌ها می‌شوند، همانند منابع طبیعی و ثروتی یا موقعیت جغرافیایی و استراتژیک، بر سر راه‌های عمده بازرگانی بین‌المللی در خشکی یا دریا بودن، قرار گرفتن در کنار تنگه‌های حساس استراتژیک و نهایتاً بحث همسایگان آن کشور خاص مدنظر می‌باشد. (مجتهدزاده، ۱۳۷۷: ۱۶۵) لذا با توجه به مراتب فوق، این پژوهش در پی یافتن رابطه بین دو متغیر ژئوپلیتیک ترکمنستان و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.

صاحب‌نظران، نگرش‌های متفاوتی را نسبت به ماهیت و موضوع ژئوپلیتیک ارائه داشته‌اند. اما «به طور کلی ژئوپلیتیک تأثیر عوامل جغرافیایی بر سیاست را بررسی می‌کند». (جعفری ولدانی، ۲۰۱۳۸۱) باید توجه داشت که نقش هر کشور در سیاست بین‌الملل، فقط به تمایلات، افکار و عقاید اداره‌کنندگان سیاست خارجی آن دولت بستگی ندارد. به عبارت دیگر، اولیای امور به آن حدی که تصور می‌شود در انتخاب روش‌های سیاسی آزاد نیستند بلکه زمینه فعالیت و قدرت آنها بسیار محدود است زیرا عوامل و وضعیت‌های خاصی وجود دارند که تأثیر عمیقی در سیاست خارجی هر کشوری می‌گذارند و یکی از مهم‌ترین این عوامل تأثیرگذار، وضعیت ژئوپلیتیکی هر کشور می‌باشد. (عزتی، ۱۳۸۶: ۱)

لذا جایگاه یک کشور در نظام بین‌الملل، میزان دسترسی به منابع طبیعی، تأثیرات آب و هوا، طول مرزها، ناهمواری‌ها، همسایگی با دولت‌های مختلف، خود سبب بروز تعاملات متفاوتی در عرصه تعاملات جهانی می‌گردد. اهمیت دیگر مباحث ژئوپلیتیک در این نکته است که چون بررسی رابطه بین عوامل جغرافیایی و سیاست کشورها مدنظر است بر همین اساس می‌توان با تکیه بر داده‌های جغرافیایی، آینده و خط‌مشی سیاسی کشورها را تا حدودی پیش بینی نمود و نهایت اینکه چنانچه کشورها توانایی لازم در بهره‌وری از موقعیت مساعد جغرافیایی خود را نداشته باشند، قدرت‌های خارجی بر اساس منافع خود از آنها بهره می‌برند و به نوعی بحران‌زایی می‌کنند. لذا ژئوپلیتیک عاملی است حائز اهمیت که هم می‌تواند فرصت‌هایی را به وجود آورد و هم چالش‌هایی را سبب گردد.

موقعیت ژئوپلیتیکی کشور ترکمنستان و برخورداری از منابع انرژی در کنار محصور شدن در خشکی زمینه حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای در این کشور را فراهم کرده است.

حضور کشورهای هم‌چون آمریکا در حاشیه‌های مرزی ایران تأثیرات منفی هم بر روابط خارجی و هم بر امنیت ملی ایران گذاشته است و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را بیشتر به سمت امنیتی شدن پیش برده است.

بازی‌های ژئوپلیتیکی آمریکا

ایالات متحده در راستای کوشش‌هایش به منظور تحقق بخشیدن به «نظم نوین جهانی» و استمرار سلطه‌اش در چارچوب نظام تک قطبی، اهمیت فراوانی برای کنترل مناطق برخوردار از منابع کمیاب انرژی یعنی خلیج فارس و دریای خزر قائل است. در حالی که ایالات متحده توانسته است در خلیج فارس حضور نظامی چشمگیری داشته باشد؛ در دریای خزر شرکت‌های آمریکایی نفت و گاز، قراردادهای متعددی برای بهره برداری صدور انرژی امضا کرده‌اند که این امکان را برای ایالات متحده فراهم می‌آورد که با ادعای داشتن «منافع ملی» در منطقه، حضور خود را توجیه نماید.

حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر و پیامدهای سیاسی آن باعث شد دید نگرانی آمریکا در مورد عدم امنیت انرژی شده است. بنابراین پیشنهاد شده که ایالات متحده باید به تشویق واردات انرژی از جانب تولیدکنندگان دوست جهت جایگزینی نفت خاورمیانه دست بزنند. با این وجود، منطقه خزر به دلایلی نمی‌تواند جایگزین خاورمیانه به عنوان منبع قابل اطمینان برای رفع نیازهای نفتی ایالات متحده شود و در نهایت، آمریکا برای تأمین امنیت انرژی خود ناچار به حفظ و تقویت موقعیت خود در خاورمیانه است. از سوی دیگر، دوری جغرافیایی، حمل منابع انرژی منطقه خزر به ویژه منابع گازی ترکمنستان به آمریکا را با مشکلات زیادی روبرو می‌نماید و از نظر اقتصادی نیز مقرون به صرفه نمی‌باشد. با این

وجود، گرچه ایالات متحده به عنوان بزرگ‌ترین مصرف‌کننده انرژی وابسته به محموله‌های خزر نیست، اما حتی اگر واشنگتن قطره‌ای نفت از این منطقه وارد نکند، وابستگی متقابل اقتصادهای جهانی به گونه‌ای است که اختلال در عرضه انرژی به مصرف‌کنندگان آسیایی و اروپایی مستقیماً، اثراتی منفی اقتصاد آمریکا خواهد داشت (فلاح پیشه، ۱۳۸۰: ۶۳-۶۴). از طرف دیگر، نگاه آمریکا به مسئله انرژی عمدتاً سیاسی - امنیتی است تا اقتصادی؛ به این صورت که آمریکا با تسلط بر منابع و مسیرهای عرضه نفت و گاز در سطح جهان سعی می‌کند کشورهای بزرگ مصرف‌کننده انرژی را در مواقع لزوم تحت فشار قرار دهد. بنابراین، برخلاف نظر برخی تحلیل‌گران که معتقدند آمریکا پس از اشغال عراق و کنترل منابع نفتی این کشور برای منابع انرژی این منطقه جهان اهمیت چندانی قائل نیست، باید اذعان نمود که ایالات متحده به منظور تحقق بخشیدن به «نظام نوین جهانی» و استمرار سلطه‌اش در چارچوب نظام تک قطبی، اهمیت فراوانی برای کنترل مناطق برخوردار از منابع کمیاب همچون منطقه خزر قائل است.

از منظر ژئوپلیتیک، آمریکا در جهت منافع سیاسی خود می‌خواهد بانی توسعه صنایع نفت و گاز طبیعی کشورهای منطقه باشد. مطابق برآوردهای دولت آمریکا این اقدامات باعث رشد اقتصادی شده و به این کشورها کمک می‌کند تا از حوزه نفوذ روسیه خارج شوند. از لحاظ اقتصادی نیز توسعه صنعت نفت این کشورها فرصت سرمایه‌گذاری لازم را برای شرکت‌های نفتی و ساختمانی آمریکا به وجود می‌آورد. از سوی دیگر، آمریکا از طریق ممانعت از نقش آفرینی ژئوپلیتیکی ایران در مسئله انتقال انرژی به دنبال تخلیه استراتژیک این کشور است. بدین لحاظ، آمریکا تمام تلاش خود را برای تحقق مسیرهای شرقی - غربی به جای مسیرهای شمالی - جنوبی پی‌گیری می‌نماید.

آمریکا علی‌رغم فاصله دور جغرافیایی از کشورهای منطقه‌ی آسیای مرکزی، از لحاظ اقتصادی و سیاسی نفوذ زیادی در این منطقه دارد. قربان نظر نظراف وزیر صنایع نفت ترکمنستان در مصاحبه مطبوعاتی در شانزدهم اکتبر ۲۰۰۱ اعلام کرد که برای صنعت نفت بین سال‌های ۲۰۰۵ - ۲۰۰۱، بیست و پنج میلیارد دلار سرمایه لازم است. اقتصاد ترکمنستان متکی به صادرات انرژی است اما برای تولید و صادرات آن نیاز مبرمی به سرمایه‌گذاری خارجی دارد. به گفته نظراف حکومت ترکمنستان درصدد جلب نظر شرکت‌های خارجی جهت ساماندهی چاه‌های نفتی خود در دریای خزر می‌باشد. و بدین لحاظ ناچار است ملاحظات سیاسی اقتصادی این شرکت‌ها را در مسئله انتقال در نظر بگیرد.

برای روشن شدن نقش سیاسی و اقتصادی آمریکا در مسئله انتقال انرژی حوزه خزر کافی است که نقش این کشور در ترانزیت انرژی از مسیر ایران را مورد لحاظ قرار دهیم، زیرا بخش عمده‌ای از شرکت‌های نفت و گاز منطقه‌ی خزر آمریکایی‌اند و طبق قانون تحریم ایران از سوی کنگره آمریکا، شرکت‌های آمریکایی نمی‌توانند در ایران سرمایه‌گذاری کنند و شرکت‌های غیر آمریکایی که در صنایع نفت و گاز ایران بیش از بیست میلیون دلار سرمایه‌گذاری کنند، مجازات خواهند شد. بنابراین، ملاحظه می‌شود که ترکمنستان برای انتخاب مسیرهای ترانزیتی مورد علاقه خود، ناچار است به میزان زیادی ملاحظات آمریکا را در نظر بگیرد.

روابط ایران و ترکمنستان

رابطه بین ژئوپلیتیک و سیاست خارجی

یکی از متغیرهای مؤثر در شکل‌گیری خط‌مشی سیاست خارجی کشورها، ویژگی‌های ژئولیتیکی آن‌هاست. به عبارت دیگر، سیاست خارجی به عنوان یک متغیر وابسته تا اندازه

زیادی متأثر از محدودیت‌های ژئوپلیتیکی است. اگر چه امروزه منافع ملی کشورها مهمترین معیار برای تصمیم‌گیری‌های سیاسی است، اما نباید فراموش کرد که منافع ملی واقع بینانه در ارتباط با ظرفیت اقدام حکومت‌ها تعریف می‌شود و یکی از اساسی‌ترین عوامل در تعیین توان ملی، ژئوپلیتیک است.

ارسطو، استرابو و دانشمندان دیگر، درباره ارتباط بین محیط و قدرت سیاسی حکومت‌ها مطالبی اظهار داشته‌اند، اما مطالعه جدیدتر رابطه بین ژئوپلیتیک و سیاست خارجی از اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم شروع شد؛ در این دوره صاحب‌نظرانی چون مکیندر و هاوس هوفر، بر آن بودند که موقعیت جغرافیایی یک کشور، تمام سیاست خارجی آنرا شکل می‌دهد. وضع جغرافیایی از جمله عواملی است که نسبت به عوامل متغیر تأثیرگذار در ژئوپلیتیک کشورها، از ثبات و پایداری بیشتری برخوردار بوده و بر همین اساس می‌توان یک جهت‌گیری مشخص را در تاریخ سیاست خارجی کشورها تعقیب نمود؛ چنان که به عنوان مثال در سیاست خارجی روسیه، کنترل آبراه‌های دریای سیاه و دسترسی به آب‌های گرم جنوب همیشه مد نظر بوده است. امروزه گرچه به واسطه پیشرفت‌های شگرف علمی و فنی، ژئوپلیتیک کشورها دستخوش تحول اساسی شده است؛ ولی این بدان معنا نیست که موقعیت جغرافیایی در سیاست خارجی کشورها دیگر تأثیری ندارد. توجه به ویژگی‌های ژئولیتیک کشورها، باعث خواهد شد که سیاستمداران به نقاط قوت و ضعف کشور خود واقف شوند و در اتخاذ خط‌مشی‌های سیاسی و بین‌المللی از واقع‌بینی لازم برخوردار گشته و اهداف و منافع خود را متناسب با ظرفیت اقدامشان تعقیب کنند. توجه به این نکته ضروری به نظر می‌رسد که ژئوپلیتیک ممکن است به عنوان یک عامل مثبت، سیاست خارجی کشورها را مورد حمایت قرار دهد، یا به عکس نقشی منفی در تعقیب منافع ملی

ایفا کند؛ که این وضع نسبت به شرایط بین المللی و نحوه استفاده از این عامل توسط سیاستگذاران خارجی در نوسان خواهد بود. (اطاعت، ۱۳۷۶: ۲۷)

سیاست خارجی ایران

مطابق اصل یکصد و پنجاه و دوم قانون اساسی، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نفی هر گونه سلطه جویی و سلطه پذیری، حفظ استقلال همه جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان، عدم تعهد در برابر قدرتهای سلطه گر و روابط صلح آمیز متقابل با دول محارب استوار است. (زنا، ۱۳۸۰: ۱۰) اما به لحاظ بین المللی و متأثر از عوامل ژئوپلیتیکی در طول سه گذشته (قرن بیستم میلادی). سیاست خارجی ایران در سه الگوی بیطرفی، سازش، و اعتراض جهتگیری شده است و به عبارت دیگر، جهتگیری های سیاست خارجی ایران در قبال قدرت های جهانی، واکنشی نسبت به اعمال آنان در ایران بوده است.

استراتژی بیطرفی در سیاست خارجی کشورها از زمان های گذشته وجود داشته است، اما امروزه به حکومتی بیطرف گفته می شود که به استقلال و تمامیت ارضی آن بر اساس یک توافق جمعی از طرف حکومت های بزرگ ضمانت شده باشد؛ مشروط به این که جز در موارد دفاع مشروع، از اقدام نظامی خودداری کند. بطور کلی هدف از سیاست بیطرفی، تأمین منافع ملی و دور ماندن از مخاصمات در جنگهاست که خود دارای شکل های متفاوتی از جمله بیطرفی مثبت، منفی، موقت، و دائمی است. بیطرفی مثبت حالتی است که حکومت ها ضمن اعلام آن، برای رفع بحران و ایجاد صلح تلاش کرده و معمولاً نقش آنها در رفع اختلافات حائز اهمیت است؛ در مقابل، بیطرفی منفی حالتی است که حکومت ها

خود را از درگیری‌ها کنار کشیده و در شیوه‌های مختلف حل اختلافات بین‌المللی مشارکت نمی‌کنند. بیطرفی ممکن است برای مدتی محدود و در یک بحران خاص اتخاذ گردد، با این که کشوری منافع خود را در بیطرفی دراز مدت بیابد؛ که در مورد دوم، حکومت مزبور باید از ورود به اتحادیه‌های نظامی و سازمان‌های بین‌المللی خودداری نموده و منفرداً یا با مشارکت دیگران، از اقدامات نظامی بر ضد دیگران بپرهیزد؛ به عنوان مثال، بیطرفی سویس - که در سال ۱۸۱۵ از طرف کنفدراسیون این کشور بطور رسمی اعلام گردید - به لحاظ پایداری آن، جنبه سنتی پیدا کرده و این سیاست در هر دو جنگ اول و دوم جهانی مورد قبول و احترام نیروهای متخاصم قرار گرفت.

یکی دیگر از شکل‌های بیطرفی، جنبش عدم تعهد بود که پس از جنگ جهانی دوم به عنوان عکس‌العملی از جانب کشورهای جهان سوم در مقابل قطب‌های قدرت جهانی، که در این جنبش در پیمان‌های نظامی ناتو و ورشو تجلی یافته بود، اتخاذ شد؛ اما از آنجا که برخی از کشورهای عضو این جنبش در پیمان‌های نظامی منطقه‌ای^۵ که به نوعی وابسته به قدرت‌های بزرگ بود - عضویت دانستند و با سیاست خارجی بسیاری از آن‌ها متأثر از جهتگیری ابرقدرت‌های شرق و غرب بود، نمی‌توان برای این سیاست عمومیت قائل شد. کشور ایران در سده گذشته در سه بحران بین‌المللی بصورت موقت مبادرت به اتخاذ سیاست بیطرفی کرد، اما به لحاظ اهمیت ژئوپلیتیکی، تنها در بحران خلیج فارس بیطرفی ایران نقض نشد. در طی دو جنگ جهانی اول و دوم، ایران عرصه منازعات قدرت‌های جهانی گشته و بیطرفی آن نقض شد؛ به عبارت دیگر، اعتبارات ژئوپلیتیک ایران نقش منفی بازی کرده و سیاست بیطرفی ایران در جهت خواست ابرقدرت‌های جهان تغییر یافت.

اگر چه استراتژی انفعالی با سیاست سازش و همکاری، همانند الگوی بیطرفی به طور رسمی اعلام نشده است، اما عملکرد حکومت ایران در مقاطعی از سده گذشته مبین آن است. اعطای امتیازاتی چون واگذاری منابع و امکانات کشور به دول بیگانه، انصراف و به رسمیت بیطرفی در جنگ جهانی اول و دوم و انطباق با خواست قدرتهای اشغالگر و به رسمیت شناختن آنان در خاک ایران، اعطای کاپیتالاسیون، و جهتگیری سیاست خارجی ایران در راستای مطامع قدرت‌های جهانی، همگی نمونه‌هایی از این استراتژی هستند.

بطور کلی سیاست اعتراضی، با حضور و نفوذ قدرت‌های بیگانه در امور ایران مخالف بوده و سعی دارد امکانات کشور را در جهت طرد بیگانگان بسیج کند. سیاست اعتراضی به قدرت‌های خارجی به نوعی در کلیه ادوار زمانی وجود داشته، اما در موارد معدودی به یک جهتگیری مشخص تبدیل شده است. بارزترین الگوی اعتراض، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است؛ در حقیقت، انقلاب اسلامی به همان نسبت که طغیانی بر استبداد داخلی بود، به همان میزان نیز بر ضد استعمار خارجی و قدرت‌های بیگانه جهتگیری شده بود و سیاست خارجی ایران پس از انقلاب، متأثر از این الگو در جهت طرد قدرت‌ها و به ویژه ایالات متحده آمریکا قرار گرفت. (زنای، ۱۳۸۰: ۱۷)

سیاست خارجی ترکمنستان

علی رغم آنکه سابقه ترکمنستان در صحنه روابط بین الملل بسیار اندک بوده و به دوران کوتاه بعد از استقلال محدود می‌شود، با این حال دستگاه سیاست خارجی این کشور با شمار معدودی از افراد، در انجام وظایف خویش توفیق نسبی داشته است. سیاست خارجی ترکمنستان مطابق خواست رهبر این کشور که هم اکنون صفر مرادتیازاف است، تنظیم و اجرا می‌شود. ترکمنستان در سیاست خارجی خود بر اصل بیطرفی اصرار داشته و

لذا علاقه مند به ایجاد روابط نزدیک با همه کشورهای جهان است، اما در حقیقت سیاست خارجی چندان گسترده‌ای نداشته و روابط خارجیش به چند کشور و سازمان بین‌المللی نظیر جمهوری اسلامی ایران، ترکیه، آمریکا، روسیه، فرانسه، آلمان، پاکستان، هند، ازبکستان، قزاقستان، قرقیزستان، آذربایجان، ارمنستان، گرجستان، جامعه کشورهای مشترک المنافع، سازمان ملل متحد، و سازمان همکاری اقتصادی (اگو) خلاصه می‌شود. این کشور علاقه‌ای به عضویت در هیچ یک از اتحادیه‌های سیاسی یا نظامی نداشته و در عین حال از همکاری مبتنی بر تساوی حقوق با کلیه کشورها استقبال می‌نماید. مبنای برقراری و توسعه روابط ترکمنستان با تمامی کشورها، منافع ملی این کشور است و روابط خارجی ترکمنها از هر گونه رنگ و بوی ایدئولوژیک مبرا است. احترام به حاکمیت ملل یو تمامیت ارضی کشورها، عدم مداخله در امور داخلی سایرین، و پرهیز از اختلافات و تشنج، از اصول سیاست خارجی ترکمنستان است که موجب گردیده تا ترکمنستان در ۱۲ دسامبر ۱۹۹۵ میلادی از طرف سازمان ملل متحد با ۱۸۱ رأی به عنوان کشور بیطرف در جهان شناخته شود. اولویت سیاست خارجی ترکمنستان، توسعه روابط با کشورهای همسایه و سپس با سایر کشورهاست. این کشور در مسائل آسیای مرکزی به دنبال ایفای نقش محوری است که اجلاس رهبران کشورهای آسیای مرکزی در عشق‌آباد که آخرین مورد آن در نوروز ۱۳۷۸ به انجام رسیده از آن جمله است. همچنین ترکمنستان علاقه مند به ایفای نقش در پایان دادن به جنگ دراز مدت افغانستان است، که کنفرانس بین‌المللی صلح افغانستان در عشق‌آباد نیز به همین دلیل برپا گردید. (سارلی، ۱۳۷۳: ۲۲۸)

روابط خارجی ترکمنستان

بعد از فروپاشی شوروی سابق، کشورهای آسیای مرکزی از جمله ترکمنستان توجه کشورهای همجوار نظیر ترکیه، هند، پاکستان، و به ویژه کشورهای غربی و غیرذلتک را به خود جلب کرده و این کشورها شروع به سرمایه گذاری‌های عظیم سیاسی، اقتصادی، صنعتی و فرهنگی در این جمهوری نمودند. در این میان جمهوری اسلامی ایران با جمهوری ترکمنستان نه تنها دارای پیوندهای تاریخی و فرهنگی می‌باشد، بلکه دارای مرز مشترک آبی و خاکی نیز هست. با این حال ایران با داشتن موقعیت عالی و برتر در قبال ترکمنستان، قصد توسعه نفوذ نداشته، بلکه کمک به کشورهای مسلمان همجوار از اصول بدیهی و مسلم سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. خاک جمهوری اسلامی ایران، بهترین، سریع‌ترین، و نزدیکترین راه ارتباطی ترکمنستان با سایر کشورها و بازارهای بین‌المللی خصوصاً منطقه خلیج فارس و آسیای جنوب شرقی است؛ از طرفی توان اقتصادی نسبتاً مناسب ایران در حل مشکل اقتصادی ترکمنستان مفید خواهد بود؛ بنابراین قبل از این که دیگر کشورهای لائیک بتوانند موقعیت خود را گسترده نمایند، حضور ایران برای برنامه ریزی‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ایجاد ارتباط تجاری، اقتصادی، و صنعتی با این جمهوری الزامی است. (وصالی، ۱۳۷۶: ۱۷۸)

روابط با جمهوری اسلامی ایران

ترکمنستان جنوبی‌ترین کشور آسیای مرکزی، تنها سرزمینی است که با ایران هم مرز است. همین موقعیت جغرافیایی ترکمنستان امتیاز ویژه‌ای برای این کشور محسوب می‌شود زیرا دیگر کشورهای آسیای مرکزی تنها از طریق افغانستان و قسمت غربی چین با جهان

خارج از روسیه در ارتباطند، در حالی که ترکمنستان ضمن دور بودن از روسیه، از طریق ایران می‌تواند با آبهای آزاد جهان، خاورمیانه، پاکستان، ترکیه رابطه برقرار کند. این ویژگی ممتاز ترکمنستان شرایط بهینه‌ای برای آن فراهم می‌کند، زیرا از یک سو می‌تواند براحتی به خلیج فارس و اقیانوس هند راه یافته و از سوی دیگر برای سایر کشورهای آسیای مرکزی، روزه‌ای از مکانی نزدیک و باثبات برای خروج از محصور بودن در خشکی و راهیابی به آبهای آزاد جهان به شمار می‌آید. این مزیت جغرافیایی سبب گسترش روابط ترکمنستان با سایر کشورهای آسیای مرکزی به منظور بهره برداری از راههای ترانزیتی ایران شده و همچنین روابط نزدیک و گسترده را میان ایران و ترکمنستان به دنبال داشته است. وجود پیوندهای سیاسی و فرهنگی عمیق، ریشه دار، و تاریخی میان ایران و ترکمنستان کنونی و نیز وجوه مشترک فرهنگی و سیاسی دو کشور در طی قرون متمادی، علت دیگر روابط گسترده میان دو کشور است. در واقع ایران در ردیف نخستین کشورهایی بود که استقلال این کشور را به رسمیت شناخت و به سرعت در جهت رفع موانع ایجاد روابط نزدیک و دوستانه میان دو سرزمین کوشید. دیدارهای مکرر روسای جمهور دو کشور، امضای بیش از ۱۰۵ موافقتنامه همکاری در زمینه‌های مختلف، افزایش حجم گردش کالا میان دو کشور به میزان بیش از ۵۰ میلیون دلار در سال، مشارکت ایران در طرح‌های مختلف زیربنایی ترکمنستان، اتصال شبکه راههای زمینی و راه آهن دو کشور، و گفتگوهای مکرر درباره دریای خزر و مسائل آن، شاهدی بر پیوندهای میان دو کشور، در سال‌های پس از استقلال بوده که از آن میان، زمینه‌های همکاری دو کشور پیرامون طرح‌های آبرسانی، فاضلاب، احداث جاده‌ها، احداث سیلو، طرح‌های مخابراتی،

ایجاد خطوط آهن، و احداث خط لوله انتقال گاز ترکمنستان به ایران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. (احمدیان شالچی، ۱۳۷۸: ۲۶۵)

روابط سیاسی با ایران

تا سال ۱۹۹۱ جمهوری اسلامی ایران با کشور ترکمنستان بطور مستقل روابط رسمی نداشت، چرا که این کشور در مجموعه اتحاد جماهیر شوروی فاقد اختیارات لازم برای برقراری روابط دیپلمات با سایر دول آزاد بود؛ لیکن روابط فیما بین مردم مسلمان ایران و ترکمنستان به نحوی از انحاء نمود داشت. علاقه مردم ترکمنستان در دوره شوروی سابق به استفاده از برنامه‌های ترکمنی رادیوگران (بخش برون مرزی) به ویژه استماع خطبه‌های نماز جمعه و مواظ دینی، واقعیت انکارناپذیری به شمار می‌رفت. با فروپاشی شوروی و اعلام استقلال ترکمنستان در پنجم آبان ماه ۱۳۷۰ (۲۷ اکتبر ۱۹۹۱)، جمهوری اسلامی ایران جزو اولین کشورهایی بود که ترکمنستان را به رسمیت شناخت و چند ماه بعد از آن، در دی ماه همان سال اقدام به تأسیس سفارت در پایتخت این کشور نمود. نمایندگی سیاسی ایران در ترکمنستان برای مدت کوتاهی در سطح کاردار دایر بود و سپس در اردیبهشت ۱۳۷۱ به سطح سفیر ارتقاء یافت. روابط سیاسی جمهوری اسلامی ایران و ترکمنستان از همان روزهای نخست در سطح بسیار خوبی قرار داشت و روز به روز بر وسعت و عمق آن افزوده گشته است.

تماس‌های متعدد و مقامات سطح بالا و به ویژه روسای دو کشور به مناسبت‌های مختلف، رایزنی‌های سیاسی بسیار گسترده اقتصادی و طراحی و اجرای طرح‌های بزرگ اقتصادی،

شواهدی است که از نزدیکی مناسبات دو کشور حکایت می‌کند. جمهوری اسلامی ایران به خاطر ویژگی‌های زیر به ترکمنستان توجه دارد:

- ۱- وجود ۱۲۰۶ کیلومتر مرز مشترک
- ۲- تاثیرات مثبت یا منفی اوضاع ترکمنستان در امنیت داخلی کشور ایران
- ۳- مسلمان بودن اکثریت جمعیت ترکمنستان و اشتراکات مذهبی
- ۴- ریشه‌های تاریخی و فرهنگی دو کشور که خود بخود موجب نزدیکی دو ملت می‌شود. جمهوری ترکمنستان نیز، متقابلاً به دلایل ذیل به رابطه با جمهوری اسلامی ایران اهمیت می‌دهد:

- ۱- هم‌مرزی، همسایگی و ملاحظات امنیتی مشابه
- ۲- استفاده از وزنه ایران برای ایجاد توازن سیاسی در منطقه، خصوصاً در برابر کشورهای سلطه‌جو
- ۳- استفاده از امکانات و توانمندی‌های اقتصادی کشورمان جهت بازسازی اقتصاد ملی
- ۴- اشتراکات تاریخی، مذهبی و فرهنگی

در دهه گذشته، روابط جمهوری اسلامی ایران و ترکمنستان شاهد تحولات چشمگیری بود. مهم‌ترین قرارهای روابط ایران و ترکمنستان به شرح زیر است:

- ۱- به رسمیت شناختن شدن از جانب جمهوری اسلامی ایران ° آذر ۱۳۷۰
- ۲- افتتاح خط کشتیرانی ایران ° ترکمنستان و پهلوگیری کشتی باری با حضور سایر مقامات ترکمنستان در استان گلستان ۱۳۷۸
- ۳- سفر آقای مهاجرانی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی ایران به ترکمنستان و تاکید بر توسعه هر چه بیشتر روابط فرهنگی طرفین ° فروردین ۱۳۷۸

۴- معرفی آقای نظراف ° سفیر جدید ترکمنستان و تقدیم استوارنامه وی به آقای خاتمی ° ۲۹ فروردین ۱۳۷۸.

۵- سفر آقای مراد نیازاف در رأس هیات بلندپایه به ایران، جهت افتتاح آرامگاه «مختومقلی فراغی» در استان گلستان.

۶- سفر هیاتی از جمهوری اسلامی ایران و به سرپرستی آقای خرازی به ترکمنستان- آبان ۱۳۷۸

۷- گشایش جاده عشق آباد ° گوگ تپه توسط آقای مراد نیازاف و آقای خرازی، وزیر امور خارجه ایران ° آبان ۱۳۷۸.

ملاقات‌ها و تبادل نظرهای سطح بالای سیاسی تاکنون منجر به انعقاد صدها سند مختلف به شکل پروتکل، توافقنامه، یا صورتجلسه شده است. (سارلی، ۱۳۷۳: ۲۴۷)

روابط اقتصادی

جمهوری اسلامی ایران و ترکمنستان، روابط اقتصادی خود را مقارن با استقلال کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز بنا نهاده‌اند. در سال‌های آغازین، روابط اقتصادی دو کشور از گستردگی چشمگیری برخوردار گردید که از آن جمله عبارتند از:

- ۱- جهت گیری کلی سیاست خارجی ایران دایر بر کمک به کشورهای آسیای مرکزی.
- ۲- ضرورت بهبود وضعیت اقتصادی کشورهای همجوار و جلوگیری از تاثیرات منفی اوضاع نابسامان در بی ثباتی و ناامنی منطقه‌ای.

۳- اهداف برنامه‌های توسعه اقتصادی ایران و مشخصاً تاکید بر توسعه هر چه بیشتر صادرات غیرنفتی

۴- نیاز وافر و فوری ترکمنستان به کالاهای مختلف و بهره‌گیری از تکنولوژی و سرمایه موجود در ایران.

۵- مرز مشترک طولانی بین دو کشور، که امکانات و تسهیلات لازم جهت مراوده و مبادله کالا و همکاری‌های اقتصادی^۵ صنعتی را فراهم کرده است.

بدین لحاظ در طول دهه‌ای که از برقراری روابط بین دو کشور می‌گذرد، روابط اقتصادی توسعه زیادی یافته است که این امر نتیجه سفرهای متعدد و سطح بالایی بوده که در این مدت انجام گرفته است. (سارلی، ۱۳۷۳: ۲۵۲)

بازرگانی

حجم روابط تجاری دو کشور طی چند سال گذشته به طور دائم افزایش یافته است. در سال ۱۳۷۱ صادرات ایران به ترکمنستان ۲۷/۳ میلیون دلار و واردات از این کشور ۷/۸ میلیون دلار بوده، که این ارقام در سال بعد از آن یعنی سال ۱۳۷۲ به ترتیب به ۴۱ و ۲۷ میلیون دلار رسیده است. در سال ۱۳۷۳ نیز این سیر صعودی ادامه داشته است. اقلام عمده صادرات جمهوری اسلامی ایران به ترکمنستان، انواع کالاهای مصرفی، مواد غذایی، پوشاک، میوه جات، و محصولات دارویی است و واردات از این کشور بیشتر آهن آلات، سیمان، آزیست، پارچه، مواد شیمیایی و فراورده‌های نفتی می‌باشد. صادرات کالاهای ترکمنستان به ایران در سال ۱۹۹۱ به میزان ۰/۱ میلیون دلار بوده است، اما در سال ۱۹۹۵ این میزان به ۸/۴ میلیون دلار بالغ گردید. از مهمترین اقداماتی که در بخش روابط خارجی صورت گرفته است می‌توان موارد ذیل را نام برد:

۱- اعطای یک اعتبار ۵۰ میلیون دلاری از سوی جمهوری اسلامی ایران به ترکمنستان.

- ۲- کاهش معضلات و موانع گمرکی و ارائه تسهیلات لازم در این مورد.
- ۳- گشایش شعبه بانک صادرات ایران در عشق آباد.
- ۴- برگزاری چندین نمایشگاه تجاری^۵ صنعتی در شهرهای عشق آباد، مرز، ترکمن آباد و ترکمن باشی.
- ۵- افتتاح دهها فروشگاه بزرگ و کوچک ایرانی در شهرهای مختلفی ترکمنستان
- ۶- ثبت دهها شرکت تجاری ایرانی و تأسیس اتاق بازرگانی مشترک
- ۷- فروش ۷۰۰ دستگاه مینی بوس ساخت ایران به ترکمنستان
- ۸- احداث بازارچه مشترک مرزی در نقطه مرزی باجگیران^۶ گردان، و گودرولوم-مرزیل.
- ۹- صدور مجوز تردد شبانه روزی و بدون محدودیت زمانی از طرف جمهوری اسلامی ایران برای اتباع ترکمنستان.

نفت و گاز

ایران روزانه ۵۰/۰۰۰ بشکه نفت از ترکمنستان خریداری می کند که به بنادر اندزلی و نکا حمل می شود. همچنین ایران با هزینه ۱۹۰ میلیون دلار، خط لوله به طول ۲۵ مایل و قطر ۴۰ اینچ از ترکمنستان بیه کردکوی احداث کرده است که در سال ۱۹۹۸ با حضور ریاست محترم جمهور، جناب آقای خاتمی در ترکمنستان افتتاح گردید. طرح انتقال برق نفت داغ ترکمنستان به علی آباد ایران در استان گلستان نیز به مراحل نهایی رسیده است. دو پروژه مهمی که بین ایران و ترکمنستان در ارتباط با انتقال نفت و گاز مطرح است عبارتند از:

الف- پروژه انتقال گاز ترکمنستان به اروپا از طریق خاک ایران و ترکیه: طول این خط ۲۶۰۰ کیلومتر می‌باشد که دولت ترکمنستان تا سال ۱۹۹۷ در اقتصادی بودن این مسیر تاکید فراوانی داشته است، چرا که عملی‌ترین و پرصرفه‌ترین مسیر است. انجام این پروژه در دو مرحله پیش بینی شده که مرحله اول، هزینه نمودند ۲/۳ میلیارد دلار در ایران و ۰/۳ میلیارد دلار در ترکمنستان می‌باشد و دارای پنج ایستگاه تراکم فشار با ظرفیت ۱۵ میلیارد متر مکعب است؛ و مرحله دوم، اضافه نمودن تجهیزات به پنج ایستگاه تراکم فشار، برای افزایش ظرفیت تا ۲۸ میلیارد متر مکعب می‌باشد.

ب- پروژه خطوط لوله انتقال نفت خام ترکمنستان به خلیج فارس: این طرح نیز از موضوعات مورد علاقه طرفین به شمار می‌رود که هنوز پیشرفت مورد انتظار در این خصوص حاصل نشده است.

راه ترانزیت و حمل و نقل

به لحاظ اهمیت ارتباط تجاری ایران و ترکمنستان پیشرفتهای نسبتاً خوبی در زمینه ایجاد تسهیلات ترانزیت کالا به وجود آمده است که از آن جمله عبارتند از:

- ۱- برقراری خط کشتیرانی بین بنادر ترکمن باشی و نوشهر
- ۲- برقراری خط اتوبوس رانی برای جابجایی مسافر در مسیر مشهد-عشق آباد
- ۳- برقراری پرواز مستقیم مشهد-عشق آباد و بالعکس
- ۴- احداث پل کامیون رو سرخس بر روی رودخانه تجن
- ۵- گشایش معابر تردد مرزی در نقاط پل، باجگیران، لطف آباد و سرخس
- ۶- اعطای اجازه عبور ترانزیتی زمینی و هوایی وسایط نقلیه ترکمنستان از قلمرو ایران

۷- حذف محدودیت زمانی اقامت اتباع ترکمنستان در ایران

مهم‌ترین طرح‌های توسعه حمل و نقل که از جانب دو کشور در دست پیگیری است به قرار زیر می‌باشند.

۱- احداث خط آهن مشهد- سرخس-تجن: این خط آهن در اردیبهشت سال ۱۳۷۵ به طور کامل احداث و طی مراسم باشکوهی با حضور روسای کشور و دولتهای منطقه افتتاح شد. این خط آهن خط ابریشم سابق را احیاء کرده و امکان ارتباط حمل و نقلی ترکمنستان و سایر جماهیر آسیای مرکزی با آبهای گرم خلیج فارس را فراهم می‌سازد و از این رو اهمیتی سوق الجیشی دارد.

۲- اتصال خط آهن ترکمنستان به شبکه حمل و نقل زمینی ایران در نقطه لطف آباد: دولت ترکمنستان برای به نتیجه رسیدن این طرح، خط آهن آرتیق-لطف آباد را در خاک خود ساخته و سرگرم احداث تاسیسات جانبی آن است

۳- بازسازی جاده اتومبیل رو عشق آباد- گردان (باجگیران): این بازسازی هم اکنون توسط یک شرکت ایرانی به انجام رسیده است.

۴- بازسازی جاده قوچان-باجگیران: بازسازی این جاده، ارتباط جاده‌ای دو کشور را به نحو مطلوب و مطابق استانداردهای جهانی برقرار ساخته است.

۵- بازسازی جاده عشق آباد- گوگ تپه توسط پیمانکاران ایرانی.

مخابرات

جمهوری اسلامی ایران در این زمینه نیز فعال بوده و همکاری‌های ثمر بخشی با ترکمنستان داشته است. نتایج بارز این همکاری به شرح زیر است:

- ۱- برقراری ارتباط تلفنی بین دو کشور این کار در گذشته از طریق مسکو با کوا انجام می‌شد، اما اکنون بطور مستقیم صورت می‌گیرد.
- ۲- نصب و راه اندازی خط ترانزیت تلفنی ۴۸۰ کاناله ترکمنستان از طریق ایران این سیستم، امکان ارتباط تلفنی ترکمنستان با جهان خارج از طریق کشورمان فراهم می‌نماید.
- ۳- اجرای پروژه ارتباط تلفنی فیبرنوری اروپا- آسیا: این پروژه، ایران، ترکمنستان، و سایر جماهیر آسیای مرکزی را از یک طرف به شرق دور (چین) و از طرف دیگر به اروپا (آلمان) متصل می‌سازد.

روابط فرهنگی

در سال‌های اخیر روابط فرهنگی ایران و ترکمنستان رو به گسترش بوده است. امضای قراردادهای فرهنگی فیما بین روسای جمهور ایران و ترکمنستان و به دنبال آن، مشارکت گروه‌های فرهنگی ایران در مراسم جشن استقلال ترکمنستان و کنفرانس‌های علمی ترکمنستان، همچنین سفر هیئت تاریخدانان ترکمنستان به ایران در سال ۱۳۷۴، سفر وزیر فرهنگ و توریسم ترکمنستان به تهران، سفر معاون فرهنگی رئیس کابینه وزرای ترکمنستان به تهران به مناسبت سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره)، و سفر وزیر آموزش ملی ترکمنستان به ایران، نمونه‌هایی از روابط دوجانبه فرهنگی میان دو کشور است.

تأسیس مجتمع آموزشی و رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در عشق آباد و نیز مبادله برنامه‌های تلویزیونی، از مهمترین امور در حال اقدام می‌باشد. رایزنی فرهنگی

جمهوری اسلامی ایران در عشق آباد، در سال‌های اخیر فعالیت‌های قابل‌تحصینی داشته است.

برگزاری کلاس‌های مستمر آموزش زبان فارسی، ترتیب دادن مراسم و بزرگداشت‌ها به ویژه برگزاری کنفرانس علمی مختومقلی فراغی در خردادماه ۱۳۷۷ در دانشگاه مختومقلی که با مشارکت دانشمندان ایرانی و ترکمن برگزار گردید، همچنین برگزاری کنفرانس علمی «ابرسعید ابوالخیر» در آذرماه ۱۳۷۸، از جمله اقدامات این مرکز می‌باشد. انتشار نامه دوستی به زبان‌های روسی، ترکمنی، و فارسی، انتشار بولتن‌های خمیری ماهانه، و انتشار یافته‌های تحقیقاتی به ویژه در زمینه‌های تاریخ و تمدن مشترک ایران و ترکمنستان، دامنه فعالیت

گسترده این مرکز را نشان می‌دهد. از طرفی ترکمنستان نیز با تشکیل انجمن دوستی ترکمنستان ایران به سرپرستی «محمد آیدوغدیف» و «قاسم توزیادف» زمینه‌های توسعه مناسبات فرهنگی را فراهم نموده است و جمهوری اسلامی ایران نیز، موضوع شکل‌گیری انجمن‌های دوستی ترکمنستان و ایران را با علاقمندی دنبال می‌نماید. (سارلی، ۱۳۷۳: ۲۵۷)

روابط کنسولی

به دلیل همجواری جمهوری اسلامی ایران با ترکمنستان و وجود ۱۲۰۶ کیلومتر مرز مشترک بین دو کشور، روابط کنسولی از اهمیت بسزایی برخوردار است. روابط کنسولی همزمان با برقراری دیپلماتیک و گشایش سفارتخانه جمهوری اسلامی ایران در عشق آباد آغاز شده و تاکنون پیشرفت قابل توجهی داشته است. از میان استاد کنسولی امضا شده بین دو کشور، موارد زیر اهمیت بیشتری دارند:

- ۱- صورتجلسه تجدید علائم مرزی و تثبیت خط مرزی ° بهمن ۱۳۷۰
- ۲- پروتکل گشایش نقطه مرزی پل ° گودرولوم ° مهر ۱۳۷۰
- ۳- صورتجلسه توافقات مرزی ° اردیبهشت ۱۳۷۱
- ۴- یادداشت تفاهیم تأسیس سرکنسولگری جمهوری اسلامی ایران در مرو- بهمن ۱۳۷۱
- ۵- یادداشت تفاهیم لغو روادید سیاسی و خدمت ° فروردین ۱۳۷۱
- ۶- صورتجلسه مرزی ° کنسولی امضا شده توسط معادل کنسولی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران و وزیر خارجه ترکمنستان ° خرداد ۱۳۷۳
- ۷- صورتجلسه مرزی ° کنسولی امضا شده توسط معاون کنسولی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران و وزیر امور خارجه ترکمنستان ° خرداد ۱۳۷۳
- ۸- چند تفاهیم نامه در خصوص صدور برگه مرزی و تمدید اعتبار آن. همچنین موارد زیر در روابط دو کشور جمهوری اسلامی ایران و جمهوری ترکمنستان انجام شده است.
 - ۱- لغو محدودیت اقامت ترکمنستانی‌ها بطور یکجانبه از طرف ایران.
 - ۲- لغو روادید گذرنامه‌های سیاسی و خدمت.
 - ۳- افتتاح سرکنسولگری جمهوری اسلامی ایران در مرو
 - ۴- گشایش چهار معبر مرزی در نقاط پل ° گودرولوم، باجگیران- گودان، لطف آباد- آرتیل، و سرخس ° سرخس.
 - ۵- راه اندازی مسافرت‌های دسته جمعی سیاحتی- زیارتی.
 - ۶- برقراری و تمدید صدور پروانه گذر مرزی.

۷- امکان تردد از منطقه مرزی چات برای زیارت مختموقلی فراغی در استان گلستان. (سارلی، ۱۳۷۳: ۲۵۸)

حجم مبادلات سیاسی و اقتصادی ایران و ترکمنستان

کشور ترکمنستان در منطقه آسیای مرکزی از موقعیت بسیار مطلوبی به لحاظ شرایط خاص جغرافیایی برخوردار است. اولاً، بخاطر برخورداری از منابع عظیم زیرزمینی بویژه منابع انرژی (نفت و گاز)، توجه اکثر کشورهای دنیا از جمله ترکیه ° که فاقد منابع استراتژیک است ° را به خود جلب نموده و طمع ممالک غربی خصوصاً آمریکا را برای تسلط بر شریان‌های اقتصادی آن برانگیخته است. ثانیاً، داشتن مرز مشترک طولانی (۱۲۰۶ کیلومتر) با جمهوری اسلامی ایران که بعنوان دژ ارتباطی شمال و جنوب و حلقه اتصال کشورهای آسیای مرکزی می‌باشد. اهمیت تجاری و اقتصادی این کشور را دو چندان کرده است، چرا که سایر کشورهای آسیای مرکزی تنها از طریق افغانستان و بخش غربی چین قادر به برقراری ارتباط با جهان خارج از روسیه می‌باشند؛ در حالی که داشتن ارتباط از طریق ایران جهت دسترسی به خاورمیانه، ترکیه، خلیج فارس و پاکستان بسیار آسانتر بوده و ترکمنستان جهت ایفای نقش مؤثر خود در آسیای مرکزی از این امتیاز بهره مناسبی برده است. ثالثاً، بخاطر قرار گرفتن در مسیر جاده ابریشم ° که از قدیم الایام راه ارتباطی خاور دور با اروپا تلقی می‌شد- بعنوان دروازه ورود کشورهای خارجی به آسیای مرکزی به شمار می‌رود. رابعاً، بدلیل قرار داشتن در ساحل دریای خزر، ضمن بهره مندی از منابع بیولوژیکی و ذخایر انرژی این دریا که ارزش اقتصادی بالایی دارد، می‌تواند امکان ارتباط

سایر کشورها را از طریق این دریا و با عبور از رودهای ولگن و دن، با دریای سیاه و مدیترانه فراهم نماید.

کشور ترکمنستان، علاوه بر نقاط قوت مذکور، دارای نقاط ضعف استراتژیکی نیز هست که از آن جمله هم مرز بودن این کشور با افغانستان بحران زده (از ناحیه شرقی) است. چرا که این کشور پیوسته درگیر منازعات سیاسی و نظامی داخلی و خارجی بوده و هست که سرایت این تشنجات به مرزهای شرقی ترکمنستان از یک سو، و طرز برخورد ترکمنستان با افغانستان و نتیجه سیاست‌های اتخاذ شده از طرف حکومت این کشور از سویی دیگر، می‌تواند نقش تعیین کننده‌ای در امنیت منطقه و بویژه امنیت سایر مرزهای ترکمنستان (از جمله مرز مشترک ایران و ترکمنستان) بگذارد.

با توجه به مطالعه و بررسی صورت گرفته در پژوهش حاضر، هر دو فرضیه ارائه شده از جانب نگارنده که یکی، نقش ویژگی‌های فرهنگی^۵ اجتماعی مشترک بین ایران و ترکمنستان را در امنیت مرزهای شمال شرقی ایران، بارزتر از سایر ویژگی‌ها دانسته و دیگری، تأثیر بسیار زیاد روابط و مناسبات دو کشور مذکور و چشم انداز آینده این روابط را در امنیت مرزهای شمال شرقی ایران بیان می‌دارد، به اثبات می‌رسند.

در مورد فرضیه نخست، باید اذعان داشت که این فرضیه ارتباطی تنگاتنگ با فرضیه دوم پژوهش حاضر دارد؛ چرا که نگارنده پس از مطالعه و بررسی دقیق ویژگی‌های جغرافیایی و نیز مسائل ژئوپلیتیکی مرز مشترک ایران و ترکمنستان، به این مهم دست یافت که کلیه ویژگی‌های جغرافیایی مذکور، به لحاظ ژئوپلیتیکی حائز اهمیت بوده و می‌تواند در حفظ ثبات یا عدم ثبات امنیت در مرزهای شمال شرقی ایران و به تبع آن در امنیت منطقه ایران تأثیرگذار باشند؛ منتها با استناد به طوابع همه جانبه میان ایران و ترکمنستان

بویژه روابط فرهنگی، که از گسترش قابل ملاحظه‌ای برخوردار بوده، و علت آن نشأت گرفته از پیوندها و اشتراکات تاریخی، مذهبی و فرهنگی میان دو کشور مذکور است. ویژگی‌های فرهنگی ° اجتماعی مشترک بین ایران و ترکمنستان، نقش بارزتری را در امنیت مرزهای شمال شرقی ایران خواهند داشت.

در مورد اثبات فرضیه دوم پژوهش حاضر، که در جهت اثبات فرضیه اول نیز می‌باشد مطالبی به شرح زیر آمده است.

بطور کلی همکاری و روابط همه جانبه دو کشور جمهوری اسلامی ایران و جمهوری ترکمنستان، از دو ویژگی بسیار مهم برخوردار است که یکی پیوندهای تاریخی، مذهبی و فرهنگی، و دیگری پیوستگی جغرافیایی می‌باشد؛ که از هر جهت همکاری همه جانبه در کشور را در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی فراهم نموده است. باید به این نکته توجه داشت که موقعیت ژئوپلیتیکی ایران، برای کشور ترکمنستان از اهمیت زیادی برخوردار است؛ به طوری که این کشور، بشرط آنکه استفاده از راههای مواصلاتی گذشته با استفاده از شبکه‌های زمینی دیگر کشورها جهت ارتباط با دنیای خارج، اصلاً مناسب و مقرون به صرفه نباشند، به راحتی با شبکه‌های موجود زمینی و دریایی ایران، خود را به بازارهای جهانی مرتبط سازد.

با توجه به دو ویژگی بسیار مهم مذکور، موارد ذیل از جمله زمینه‌های مناسب همکاری‌های همه جانبه دو کشور ایران و ترکمنستان است که قطعاً در حفظ ثبات و امنیت مرزهای شمال شرقی ایران، و به تبع آن بر امنیت ملی دو کشور مذکور و امنیت منطقه آسیای مرکزی تأثیر بسزایی خواهد داشت.

- در سال های اخیر، روابط فرهنگی دو کشور ایران و ترکمنستان بواسطه برخورداری از پیوندها و اشتراکات تاریخی، مذهبی و فرهنگی، از رشد قابل ملاحظه‌ای برخوردار بوده و نقش چشمگیری در برقراری ثبات و امنیت در مرزهای مشترک و امنیت ملی دو کشور مذکور ایفا نموده است. در طول قرون متمادی، سرزمین ترکمنستان جزئی از خاک ایران بوده و همواره از آن تأثیرپذیری فرهنگی داشته است. در حال حاضر در استان مرو و شهرهای بی نظیر عشق آباد (پایتخت ترکمنستان) افرادی زندگی می کنند که نه تنها به زبان فارسی تکلم نموده، بلکه خود را اصلاً ایرانی می دانند و این مسئله نشان از تمایل و گرایش به فرهنگ ایرانی-اسلامی در جمهوری ترکمنستان داشته و می تواند زمینه مناسبی برای گسترش روابط فرهنگی و در کنار آن گسترش روابط اقتصادی و سیاسی باشد. تشکیل خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران در ترکمنستان و تشکیل خانه فرهنگ کشور ترکمنستان در مشهد، امضای قراردادهای فرهنگی فیمابین روسای جمهوری دو کشور از جمله انعقاد تفاهم نامه‌هایی در زمینه تبادل اسناد و دانشجو، برگزاری کنفرانسهای علمی مختلف با مشارکت دانشمندان و صاحب نظران ایرانی و ترکمن در دو کشور، تشکیل انجمن های درستی میان دو کشور، تبادل برنامه های تلویزیونی و ... همگی حاکی از آمادگی زمینه ها، جهت گسترش هر چه بیشتر فعالیت ها و روابط فرهنگی دو کشور است.

- سازمان همکاری اقتصادی «اگو» یکی از مهمترین عرصه ها و میادین فعالیت و همکاری چندجانبه دو کشور ایران و ترکمنستان می باشد، چرا که با توجه به نقش محوری و کانونی جمهوری اسلامی ایران در این اتحادیه، کشورهای آسیای مرکزی از جمله ترکمنستان، تمایل بیشتری جهت گسترش روابط خود با ایران از خود نشان خواهند داد.

- یکی دیگر از زمینه‌های مساعد همکاری دو جانبه ایران و ترکمنستان، همکاری‌های اقتصادی، تجاری و سرمایه‌گذاری مشترک صنعتی و کشاورزی می‌باشد که در واقع بخش مکمل اکو را در گسترش روابط ایران با ترکمنستان ایفا نموده و می‌تواند پیامدهای ملیتی چون توسعه و تجهیز بنارد کشور، توسعه و تجهیز شبکه‌های زمینی، گسترش صنعت ماهیگیری و در نهایت رونق اقتصادی سواحل جنوبی دریای خزر را بدنبال داشته باشد؛ لذا با توجه به وضعیت نه چندان مناسب اقتصادی در کشور ترکمنستان و نیز با توجه به نیاز این کشور به همکاری‌ها و کمک‌های اقتصادی دیگر کشورها، انجام یک برنامه ریزی دقیق و حساب شده از سوی ایران لازم به نظر می‌رسد؛ البته حجم همکاری‌ها و مناسبات اقتصادی ایران و ترکمنستان نشان از یک برنامه ریزی دقیق داشته که ضرورت دارد تا کلیه بخش‌های اقتصادی، صنعتی و کشاورزی در داخل، خصوصاً بخش خصوصی، به همکاری و انجام سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی و صنعتی ترغیب و تشویق گردند. به نظر می‌رسد سرمایه‌گذاری‌ها و همکاری‌های مشترک در خصوص احداث کارخانجات کشاورزی، ریسندگی و بافندگی (نساجی)، صنعت نفت و گاز، و در نهایت انجام امور سیاسی، اقتصادی، صنعتی و فرهنگی در جمهوری ترکمنستان، نه تنها جایگاه جمهوری اسلامی ایران را در این کشور، بلکه در منطقه آسیای مرکزی مستحکم خواهد نمود و تأثیر بسیار زیادی در برقراری ثبات و امنیت در مرزهای شمال شرقی ایران خواهد گذاشت.

- گسترش همکاری‌های مرزی نیز از زمینه‌های مساعد دیگر در گسترش هر چه بیشتر روابط همه جانبه دو کشور ایران و ترکمنستان است که نمونه بارز آن، بسط و گسترش بازارچه‌ها و بازارهای مشترک مرزی است که قطعاً در حفظ ثبات و امنیت در مرزهای شمال شرقی ایران تأثیر گذار خواهد بود.

- از موضوعات و مسائل مهم دیگری که ذکر آن در این جا ضروری به نظر می‌رسد، وضعیت مسلمانان در جمهوری ترکمنستان می‌باشد. مسلمانان این کشور به مدت هفتاد سال از کلیه حقوق حقّه خویش محروم بوده و علیرغم میل باطنی، به انجام فعالیت‌های اسلامی مجاز نبوده‌اند؛ اما بعد از به استقلال رسیدن ترکمنستان آسیای مرکزی بوده و شرایط لازم جهت دخالت و حضور بیگانگان (بویژه امریکا) در منطقه مذکور را فراهم آورد. امید است جمهوری اسلامی ایران با توجه به داشتن پیوندها و اشتراکات دیرینه تاریخی، فرهنگی و مذهبی با جماهیر مسلمان آسیای مرکزی از جمله جمهوری ترکمنستان از یک سو و برخوردار بودن از موقعیت برتر و ممتاز ژئوپلیتیکی در منطقه حساس و استراتژیک تجاری و مبادلاتی خلیج فارس و دریای عمان از سوی دیگر، بعنوان یک قدرت برتر در سطح منطقه مطرح گردد.

روابط ترکمنستان با جمهوری اسلامی ایران:

شرایط محیطی، جغرافیایی، تاریخی - قومی، اقتصادی و سیاسی بسیاری وجود دارد که امکان ایجاد توسعه روابط بین ایران و ترکمنستان را تقویت می‌کند. در دوران پس از استقلال ترکمنستان و در شرایطی که این کشور مانند سایر همسایگان تازه به استقلال دست یافته‌اش در تلاش بود تا از طریق یافتن شرکا و دوستانی جدید هرچه بیشتر خود را از سلطه روسیه دور کند و با توجه به پیوندهای تاریخی و فرهنگی مردم دو کشور ترکمنستان و ایران و نیز به خاطر نیاز شدید ترکمنستان به استفاده از مسیرهای ایران برای صادرات محصولات خود، مقامات این کشور تمایل بسیاری برای گسترش هرچه بیشتر روابط خود با ایران داشته‌اند. از سوی دیگر ایران که در دوران پس از فروپاشی از امنیت مرزهای

شمالی خود در اندیشه بود، و از سوی دیگر از ایجاد تمایلات جدایی طلبانه اقوام ساکن در مرزهای خود با ترکمنستان می‌هراسید، دست یاری ترکمنستان را به گرمی فشرد و دو کشور به یکی از بهترین شرکا و دوستان یکدیگر بدل شدند. ایران یکی از حامیان اصلی پذیرش بی طرفی دائم ترکمنستان در سازمان ملل متحد بوده است. روابط اقتصادی دو کشور به خصوص از سال ۱۹۹۹ و انعقاد پیمانی ۱۰ ساله در زمینه انرژی و سایر بخشها تقویت شد. به هر حال و به رغم عدم توافق‌های موجود بین دو کشور در مورد طرح ورا خزر، روز به روز شاهد گسترش همکاری‌های فیما بین و مشارکت ایران در طرح‌های ترکمنستان از جمله توافق در جهت ساخت سدی به ارزش ۱۶۸ میلیون دلار بر روی رودخانه تجن به ظرفیت ۱/۲ میلیارد متر مکعب و در یک دوره ۵ ساله جهت آبیاری ۲۰۰۰ هکتار از زمین‌های مرزی بین دو کشور، راه سازی (که در این بازسازی بزرگراه ۵۵۰ کیلومتر گئوک تپه - ترکمنباشی و ساخت بزرگراه ۳۳۰ کیلومتری ترکمنستان - ایران از فوریت بیشتری برخوردار می‌باشد)، ساخت بندر طرح پالایش گاز، طرح انتقال برق و ... بوده‌ایم ضمن اینکه نباید طرح‌های موفق چون ساخت راه آسفالت باجگیران به عشق آباد، اتوبان عشق آباد به گوگ تپه، آبرسانی به شهر مرو، طرح بزرگ پایانه ج.ا.ایران در عشق آباد و اتصال راه آهن سرخس به تجن (به طول ۱۳۰ کیلومتر در داخل ترکمنستان) را نادیده گرفت این در حالیست که ترکمنستان در این زمینه کاملاً دیدگاه‌ها و نظرات اسرائیل را نادیده گرفته است که خود حاکی از عمق تمایل این کشور به گسترش همکاری‌ها با ایران می‌باشد. در هر حال اگرچه نمی‌توان سطح روابط ایران و ترکمنستان را در سطح بسیار خوبی ارزیابی کرد، باید گفت دلیل عدم توسعه متناسب روابط اقتصادی و

تجاری دو کشور نه به خاطر مشکلات و موانع سیاسی که به خاطر مشکلات اقتصادی فنی بوده است.

مرگ صفر مراد نیازاف اثراتی بر روابط دوجانبه داشته است. این به خاطر تمایل شدید شخصی نیازاف به همکاری با ایران بود. به طوری که صفر مراد نیازاف رئیس جمهور ترکمنستان در اجرای یک طرح بزرگ ملی اعلام می‌دارد: در صورت عدم پذیرش شرکت مورد نظر ایرانی این طرح به مناقصه بین المللی گذارده می‌شود یا در جایی دیگر ایشان در جلسه با برخی مقامات ایرانی می‌گوید: ما خیلی دوست داریم شما در طرح‌های بزرگ ترکمنستان شرکت کنید ولی ظاهراً این تمایل کمتر در شما دیده می‌شود. (بهرسی، همشهری: ۱۳۷۹/۳/۲۵) در حالی که با روی کار آمدن دولت جدید نشانه‌هایی از تغییر رفتار از جانب دولت ترکمنستان مشاهده می‌شود که قطع جریان گاز از ترکمنستان به ایران در روزهای سرد زمستان ۱۳۸۶ نمونه‌ای از این حرکات است. علاوه بر این ایران و ترکمنستان در مورد سهم دو کشور از دریای خزر نیز اختلافاتی با یکدیگر داشته‌اند که تاکنون منجر به ایجاد مشکل بزرگی نشده است.

در واژه نامه سیاسی آکسفورد در تعریف رانت آمده است: رانت اقتصادی را شاید بتوان در تعریفی غیررسمی، درآمد اضافی حاصل از یک عامل تولید (زمین، کار یا سرمایه) به حساب آورد. دیوید پیرس در لغت نامه اقتصاد مدرن می‌گوید: رانت پرداختی است در ازاء یک عامل تولید که از میزان لازم برای حفظ وضعیت کاربرد فعلی آن بیشتر است. (حاجی یوسفی، ۱۳۸۶) در نظریه کلاسیک اقتصاد می‌خوانیم رانت، مازاد باقی مانده پس از حذف تمام هزینه‌های تولید است. این مازاد به عنوان حق استفاده از منابع طبیعی زمین، به مالک زمین پرداخت می‌شد.

توماس مالتوس در تعریف رانت می‌گوید:

بخشی از ارزش کل محصول که در اختیار مالک زمین قرار داده می‌شود. سرمایه انحصاری که می‌تواند مالیات‌های دولتی را پرداخت کند. دیوید ریکاردو رانت را بیش از هر چیز موهبتی طبیعی می‌دانست که ویژگی‌های اصلی آن اندک بودن مقدار و بالا بودن کیفیت زمین بود. (حاجی یوسفی، ۱۳۸۶)

در تولید کشاورزی، رانتی که به یک مالک پرداخت می‌شد از طریق تفاوت قیمت محصول.

کشاورزی در بازار و هزینه‌های تولید آن بدست می‌آمد. بنابراین، بر اساس این نظریه اگر هزینه تولید محصول، با قیمت فروش آن برابری داشت، آنگاه رانتی برای مالک زمین وجود نمی‌داشت. ریکاردو این رانت را رانت تفاضلی^۱ می‌نامید. ریکاردو در مورد معادن نیز به رانت معتقد است و آن را پولی می‌داند.

- روابط با همسایگان: بردی محمداف از همان ابتدای به قدرت رسیدن، توجه خاصی را به گسترش و تحکیم روابط با کشورهای همسایه نشان داد. سخنان خود او نشان می‌دهد که دولت جدید ترکمنستان برنامه مدونی را برای این امر تدارک دیده است. بردی محمداف در ماه مارس ۲۰۰۸ در مورد اولویت سیاست خارجی دولت خود گفت: «برقراری روابط با همسایگان بلافصل ما که با آن‌ها دارای ریشه‌های مشترک تاریخی، فرهنگی و اقتصادی هستیم، از جمله اولویت‌های سیاست خارجی ماست.

در میان کشورهای بازمانده از فروپاشی شوروی، ترکمنستان از لحاظ سیاست خارجی وضعیت متمایز منحصر به فردی داشته است. با فروپاشی شوروی، بیشتر کشورهای این

¹Differential Rent

مجموعه در کنار تلاش برای تثبیت استقلال خود، برای کاهش وابستگی به مرکز سابق به فکر برقراری روابطی نزدیک با غرب افتادند. اما در این میان، آنچه در نظر دولتمردان ترکمنستان، می‌توانست تضمین‌کننده واقعی استقلال این کشور باشد، منابع انرژی بود. در این راستا آنها باید سیاستی اتخاذ می‌کردند که درآمدهای حاصل از بخش انرژی را به حداکثر رساند و از این راه ثبات و توسعه کشور را تضمین کنند. آن‌ها تصمیم گرفتند در عین استقبال از همکاری در بخش انرژی برای پرهیز از تاثیرات نامطلوب نظام بین‌المللی بر ثبات کشور، میزانی از فاصله را نیز با جهان بیرونی حفظ کنند. حاصل این امر، سیاست بی‌طرفی بود. البته به جز عامل اقتصاد، عامل امنیت، ملت‌سازی و ژئوپلیتیک تاریخی نیز در این راستا ایفای نقش کردند.

با وجود محتوای مثبت اصل بی‌طرفی دائمی ترکمنستان که در سازمان ملل متحد تصویب شد، سیاست‌های نیازاف ترکمنستان را روز به روز منزوی‌تر کرد. ناکامی وی در انجام اصلاحات زیرساختی داخلی، در کنار دید منفی او نسبت به توسعه همکاری‌های بین‌المللی، او را از دستیابی به هدف اصلی‌اش که حداکثر کردن درآمدهای بخش انرژی و حفظ استقلال عمل کامل کشور در مقابل مرکز سابق (مسکو) بود بازداشت. در پایان حیات نیازاف، تنها همکاری موفق این کشور در بخش انرژی با ایران صورت گرفته بود که آن هم محدود به یک خط لوله با ظرفیتی اندک بود.

قربان قلی‌بردی محمداف، رئیس‌جمهور جدید ترکمنستان با سخن از تغییرات به میدان آمد و طی مدت کوتاهی نشان داد که قصد تحولی اساسی در بسیاری از رویه‌های بازمانده از دوره نیازاف، چه در عرصه داخلی و چه در عرصه خارجی را دارد. دیدگاه او در عرصه سیاست خارجی ترکمنستان، به اولویت قائل شدن به گسترش روابط دوجانبه و همچنین

ایجاد و توسعه روابط چندجانبه این کشور منجر شد. وی با اتخاذ چنین سیاستی توانست از یک سو انزوای بین المللی ترکمنستان را رفته رفته کاهش دهد و از سوی دیگر بات موفقیت بخش انرژی کشور را فعال کرده و همکاری همه جانبه ای را در این زمینه با جامعه بین المللی انجام دهد. این در حالی بود که اصل بی طرفی ترکمنستان نه تنها از سوی دولت جدید مورد انکار قرار نگرفت، بلکه بر آن تاکید نیز شد و در حقیقت جنبه‌های اصلی این سیاست توسط دولت جدید بهتر تأمین شد.

در نهایت می‌توان گفت بردی محمدا ف دقیقاً آن کاری را انجام داد که نیازاف می‌خواست انجام دهد ولی شرایط داخلی و بین المللی و همچنین دیدگاه‌های غلط خودش این اجازه را به او نداد. به این ترتیب اصول سیاست خارجی ترکمنستان در دوره بردی محمدا ف همچنان دست نخورده باقی مانده است. بی طرفی، پرهیز از ورود به موقعیت‌های چالش برانگیز در عرصه بین الملل، ترویج دیدی مثبت نسبت به ترکمنستان در میان کشورها، به عنوان نتیجه همه این موارد، فعال کردن بخش انرژی و از این راه، تأمین امکان توسعه کشور در کنار حفظ کنترل کامل سیاسی آنچه رخ داده است، تغییر در رویه‌هاست. نه اصول تغییر در تاکتیک‌هاست، نه راهبردها.

در مجموع، اگر بخواهیم سه گفتمان معرفی شده را از لحاظ دیدگاه نسبت به چند عامل اساسی با یکدیگر مقایسه کنیم، می‌توانیم جدولی به صورت زیر به دست آورد:

اروآتلاتیک گرایی	اوراسیا گرایی	قدرت بزرگ مدرن هنجارمند	
کشوری اروپایی	اوراسیایی و منحصر به فرد	بیشتر - اما نه کاملاً اروپایی	روسیه
روابطی نزدیکتر با دورنمای عضویت	همکاری سودمند اما نگاه خصم آمیز	همکاری سودمند	اتحادیه اروپا

ناتو	روابطی نزدیکتر با دورنمای عضویت	یک تهدید	همکاری سودمند
آمریکا	روابطی نزدیکتر	تهدیدی بزرگتر	همکاری سودمند اما منافع گاه گاه معترض
اتحادیه مشترک المنافع	نگاه بدبینانه، حفظ بخشهای دارای منافع عملی	ناکارآمد اما استقبال از همگرایی بیشتر	جزو منافع ملی حیاتی، استقبال از همگرایی بیشتر
سازمان تجارت جهانی	پیوستن در اولین فرصت	نهادی درک نترل غرب	پیوستن در میان مدت
جهت گیری بین المللی	اروپا و امریکا	چند جهتی بیشتر به سمت شرق	چند جهتی
حامیان	روشنفکران لیبرال، برخی از وزیران، برخی احزاب مانند بابلو کو	کلیسای ارتودکس، برخی صاحب منصبان دولتی، برخی احزاب حزب لیبرال دموکرات	رئیس جمهور و بیشتر اعضای دولت، حزب حاکم (روسیه واحد) بخش تجاری

نتیجه گیری

موقعیت جغرافیایی کشورها سبب اعطای نقش هایی به آنها در عرصه ی سیاست بین الملل می گردد. در واقع، وضعیت ژئوپلیتیکی یک کشور می تواند بیشترین تأثیر را در شکل دهی به حدود فعالیت آن کشور در عرصه ی جهانی داشته باشد. جمهوری ترکمنستان نیز از یک موقعیت منحصر به فردی در سطح منطقه ی آسیای مرکزی برخوردار است که چالش ها و فرصت هایی را برای همسایگان خلق نموده است. به عبارتی، وضعیت ژئوپلیتیکی ترکمنستان سبب گردیده که این سرزمین دارای اهمیت بسزایی در منطقه برای کشورهای فرامنطقه ای باشد اما از گذر همین موقعیت، بحران هایی از طرف کشورهای همسایه و

همچنین کشورهای فرامنطقه‌ای برای همسایگان خویش ایجاد گردیده است؛ به نحوی که امنیت ملی این کشورها به دلیل هم‌جواری با مناطق مرزی با جمهوری ترکمنستان دچار آسیب‌هایی می‌شود. نکته‌ی قابل توجه اینجاست که، آنچه به لحاظ تاریخ سیاسی بر این مرز و بوم گذشته است در بسیاری موارد متأثر از عوامل ژئوپلیتیکی بوده و همین امر از دلایل نگارنده برای مطالعه‌ی کشور ترکمنستان از زاویه‌ی ژئوپلیتیک بوده است تا در دوره‌های زمانی مختلف نقش عوامل ژئوپلیتیکی آن ترکمنستان بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران آشکار گردد.



منابع

- (افشردی، محمد حسین (۱۳۸۱). ژئوپلیتیک قفقاز و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، انتشارات عالی دوران جنگ.
- (اطاعت، جواد (۱۳۷۵). «فرهنگ و تاریخ: جاذبه‌های ژئوپلیتیک ایران و رفتار ایالات متحده آمریکا». فصلنامه پانزده خرداد، سال اول، شماره ۲۳.
- (اطهری، سیداسداله (۱۳۷۴). آسیای مرکزی در مرحله بعد از خیر، منافع و ظرفیت‌های اقتصادی آسیای مرکزی و قفقاز، ویراستار: سیدرسول موسوی، تهران: مرکز مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز.
- (تقفی عامری، ناصر (۱۳۷۳). استراژی و تحولات ژئوپلیتیک پس از دوران جنگ سرد، موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ اول.
- (جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۸۲). روابط خارجی ایران بعد از انقلاب اسلامی. تهران: انتشارات آوای نور.
- (حاجی یوسفی، امیرمحمد (۱۳۸۶). «رانت، دولت رانتیر و رانتیریم: یک بررسی مفهومی»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۲۶-۱۲۵
- (حسین پور، اکرم (۱۳۷۳). تحولات در آسیای مرکزی و قفقاز، تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- (دامن پاک، مرتضی (۱۳۸۸). دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران و آسیای مرکزی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- (سارلی، اراز محمد (۱۳۷۳). ترکمنستان در تاریخ، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- (سارلی، اراز محمد (۱۳۷۹). ترکمنستان، تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- (عزتی، عزت‌الله (۱۳۸۰). ژئوپلیتیک در قرن بیست و یکم، تهران: سمت.
- (عزتی، عزت‌الله (۱۳۸۶). ژئوپلیتیک، تهران: سمت.

(عندلیب، علیرضا (۱۳۸۰). نظریه پایه و اصول آزمایش مناطق مرزی ج.ا.ا، تهران: دوره عالی جنگ.

(کاظمی، علی اصغر (۱۳۷۰). دیپلماسی نوین در عصر دگرگونی روابط بین الملل، تهران: انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

(کریمی، حسین (۱۳۷۵). ترکمنستان، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت خارجه.

(فیاضی، محسن (۱۳۸۲). «رقابت پیرامون انرژی آسیای مرکزی و قفقاز»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۶۰.

(مجتهد زاده، پیروز (۱۳۷۷). «جغرافیا و سیاست در فرآیندی نوین، نگاهی به برخی مفاهیم در جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک»، فصلنامه دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۴۲.

(محمدی، منوچهر (۱۳۷۸). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: نشر دادگستر.

(میرحیدر، دره (۱۳۸۴). «سیری در تحولات ژئوپلیتیک»، مجموعه مقالات نخستین کنگره علمی انجمن ژئوپلیتیک ایران، تهران: انتشارات انجمن ژئوپلیتیک ایران. صص ۲۱-۱۴.

(وصالی، فاطمه (۱۳۷۶). تحلیل ژئوپلیتیکی مرز ایران و ترکمنستان و تاثیرات آن در امنیت منطقه ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.